

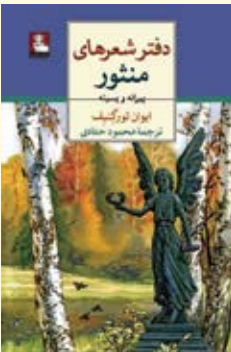
ترجمه «قصه‌های مجید» به زبان قزاقی



یک ایران‌شناس از انتشار کتاب «قصه‌های مجید» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی به‌بان قزاقی خبر داد. گوهر امر خانوا به خبرنگار کتاب ایرنا گفت: دانشجویان عالی‌به قنبر یکووادر دانشگاه‌شرق شناسی فارابی درآلمانی (بزرگ‌ترین شهر کشور قزاقستان و پایتخت پیشین آن) که بر ادبیات ایران تمرکز داشته‌است، این کتاب را به‌زبان قزاقی ترجمه‌ومنتشر کردند.قصه‌های

مجید، مجموعه‌داستانی است به‌قلم هوشنگ مرادی کرمانی که در پنج جلد به‌چاپ رسیده‌است. ماجراهای پسرکی حراف‌ودر عین حال شیرین سخن که به‌خاطر از دست دادن پدر و مادرش، با مادر بزرگش زندگی می‌کند. نخستین چاپ این اثر در سال ۱۳۵۳ منتشر و بعدها بر اساس آن مجموعه‌ای تلویزیونی به کارگردانی کیومرث پوراحمد ساخته‌شد؛ مجموعه‌ای که به‌دل کودکان و بزرگسالان خوش‌نشست‌واکنون به بخشی از نوستالژی بینندگان تبدیل شده‌است.

انتشار «دفتر شعرهای منثور» تورگنیف



«دفتر شعرهای منثور» ایوان تورگنیف، از مهم‌ترین نویسندگان روس قرن نوزدهم باترجمه محمود حدادی عرضه شد. به گزارش خبرگزاری کتاب ایران، شعرهای منثور در سال‌های ابتدای تورگنیف به‌بیماری سرطان بر قلم او نشسته‌اند، متن‌هاوطرح‌های این کتاب از رنج‌های شخصی وروایت می‌کنند. این کتاب شامل دو دفتر با عنوان‌های «پیرانه» و«پسینه» است. شعرهای منثور

تورگنیف، مانند دفتر شعرهای منثور شارل بودلر، از آثار کلاسیک قرن نوزدهم به‌شمار می‌رود و بارها به‌زبان‌های زنده دنیا ترجمه شده‌است. «دفتر شعرهای منثور» بر اساس چندین برگردان، از زبان آلمانی به فارسی درآمد و در نسخه حاضر با ویراستی دوباره به چاپ می‌رسد.

ایوان تورگنیف (۱۸۸۳ – ۱۸۱۸) یکی از مهم‌ترین نویسندگان روسی قرن نوزدهم است. او را در کنار داستایفسکی و تولستوی ستاره‌های سه‌گانه مان‌روسی می‌نامند. این نویسنده اشعار فزاده در زمان‌هایی چون «پدران و پسران» و «یادداشت‌های یک شکارچی» بیش از هر چیز رنج‌ها، بیم‌ها و امیدهای بینوایان جامعه را بازگویی کند. از او به‌جزرمان، بسیاری خاطر‌نگاری، نقدو جستار به‌یادگار مانده‌است، از جمله جستار بلند «هاملت‌ودن کیشوت»، نقدی ادبی که در تاریخ فرهنگ اروپای قرن نوزدهم جایگاهی برجسته دارد. انتشارات مهر اندیش به‌تازگی این کتاب را در ۱۴۴ صفحه و با قیمت ۱۹۳ هزار تومان عرضه کرده‌است.

عزیمت «یک عاشقانه آرام» به امیر کبیر



کتاب «یک عاشقانه آرام» نوشته نادر ابراهیمی به چاپ ۷۳ خودرسید و به‌تازگی برای نخستین بار توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شد. به گزارش ایرنا، کتاب «یک عاشقانه آرام» اثر نادر ابراهیمی، یک‌مان عاشقانه معاصر در ادبیات فارسی است که در ژانر داستان‌های عاشقانه و اجتماعی قرار می‌گیرد و به بررسی روابط انسانی و چالش‌های فرهنگی می‌پردازد.

داستان در چبوجه انقلاب ۵۷ ایران شکل می‌گیرد و به عشق بین یک معلم جوان از گیلان و دختری به نام عسل از آذربایجان می‌پردازد. این‌زمان به دلیل روایت عاطفی و عمیقش، به خوبی تنش‌های اجتماعی و سیاسی آن دوران را منعکس می‌کند. ابراهیمی با نثر زیبا و احساساتی، شخصیت‌ها را به تصویر می‌کشد و خواننده را در داستان غرق می‌کند. «یک عاشقانه آرام» نه تنها داستانی از عشق و فداکاری است، بلکه به بررسی هویت، تفاوت‌های فرهنگی و تلاش برای یافتن عشق در زمانه‌ای پر از بحران می‌پردازد. این کتاب به عنوان یکی از آثار مهم ادبیات عاشقانه فارسی، مورد توجه و استقبال گسترده‌ای قرار گرفته و بارها به چاپ رسیده‌است.

درباره نویسنده

نادر ابراهیمی نویسنده، روزنامه‌نگار و سینماگر معاصر ایرانی، یکی از چهره‌های برجسته ادبیات فارسی است. او در ۱۴ فروردین ۱۳۱۵ در تهران به دنیا آمد و پس از تحصیلات ابتدایی، به تحصیل در رشته‌های مختلف پرداخت، اما در نهایت به زبان و ادبیات انگلیسی علاقه‌مند شد. ابراهیمی از ۱۵ سالگی نوشتن را آغاز کرد و در طول زندگی‌اش آثار متعددی در زمینه‌های مختلف ادبیات، از جمله رمان، داستان کوتاه و مقاله منتشر کرد. کتاب «یک عاشقانه آرام» یکی از معروف‌ترین آثار اوست که به بررسی روابط انسانی و عشق در شرایط اجتماعی و سیاسی پرداخته است. نادر ابراهیمی علاوه بر نوشتن، به فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی نیز پرداخته و موسسه‌ای را برای کودکان و نوجوانان تأسیس کرده‌است. ابراهیمی با نثر زیبایی خود، تأثیر عمیقی بر ادبیات معاصر ایران گذاشته و جوایز ادبی متعددی را نیز دریافت کرده‌است. از دیگر آثار برجسته او می‌توان به رمان «آتش بدون دود» اشاره کرد که داستانی عمیق و تأثیرگذار درباره زندگی انسان‌ها و چالش‌های آن‌هاست. ابراهیمی با سبک منحصر به فردش، توانسته‌است احساسات و تفکرات شخصیت‌ها را به زیبایی به تصویر بکشد و خواننده را در دنیای آن‌ها غرق کند. نادر ابراهیمی در طول زندگی‌اش با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شد اما همواره به نوشتن و خلق آثار جدید ادامه داد. او در ۱۶ خرداد ۱۳۸۷ در گذشت. این رمان از سه فصل تحت عناوین «پیش از آن واقعه بزرگ»، «در قلب آن واقعه» و «آن سوی واقعه» تشکیل شده‌است. فصل دوم این اثر، دربرگیرنده بخش‌های «این هفته»، «از یک شنبه...»، «دوشنبه»، «سه‌شنبه‌ها»، «چهارشنبه‌ها»، «پنج‌شنبه‌ها»، «جمعه‌ها» و «شنبه‌ها» است. کتاب «یک عاشقانه آرام» نادر ابراهیمی نخستین بار در سال ۱۳۷۴ توسط نشر روزبهان روانه بازار نشر شده بود.

ادب و هنر

افول سینمای اقتباسی بارویگردانی از نویسندگان

گزارش خراسان از نشست تخصصی نویسندگان و سینماگران با سخنرانی داوود امیریان، نویسنده سرشناس



صنعت پول‌ساز است، تفاوت دستمزده سینماگران با داستان‌نویسان نیز بسیار زیاد است که باعث دلزدگی داستان‌نویسان می‌شود. درست است که گاهی وقت‌هایک بازیگر باعث می‌شود که فروش فیلم بالا برود ولی نباید ارزش نویسندگرا پایین بیاوریم. مهم‌تر این‌که میان داستان‌نویسان و کارگردانان رفاقت‌های عمیقی وجود ندارد. یک زمانی داریوش مهرجویی با غلامحسین ساعدی می‌نشستند و همفکری می‌کردند ولی اکنون از این رفاقت و همفکری خبری نیست. یک چالش دیگر این است که بیشتر داستان‌نویسان هنوز سینما را نمی‌شناسند و خیلی تأکید می‌کنند که باید عین‌اثر ماه به‌تصویر کشیده شود که این یک امر محال است ؛ خیلی از بخش‌های داستان را نمی‌شود تبدیل به تصویر کرد، باید داستان قابلیت تبدیل به تصویر را داشته باشد.

خودمان را دست‌کم نگیریم

امیریان با اشاره به پیشینه فرهنگی که داریم گفت: علاوه بر منابع داستانی معاصر و قدیمی حتی اگر خواسته باشیم در ژانر وحشت فیلمی بسازیم می‌توانیم از حمله مغول داستانی اقتباسی بنویسیم و بسازیم. داستان‌های فولکلور ما پُر است از ژانر‌های وحشت و ... ما در داستان‌های فولکلور انواع و اجنه و غول‌های عجیب و غریب داریم. ما در داستان‌های فولک، ملکه و مهر بانوهای زیادی داریم که می‌توانیم از این داستان‌های قدیمی اقتباس کنیم. اگر در همین خراسان جست‌وجو کنیم و پای حرف مردم قدیمی بنشینیم داستان‌هایی بسیار جذاب و جالب می‌شوید. باید از این داستان‌ها اقتباس کنیم. ما خودمان را خیلی دست‌کم گرفته ایم و فکر می‌کنیم که سوژه نداریم در حالی که اطراف ما پُر از سوژه‌های متفاوت است.

که محسن کاظمی بر اساس زندگی مرضیه حدیدچی دباغ‌یکی از زنان تأثیرگذار در انقلاب نوشته و این کتاب دارای ظرفیت‌های فراوانی برای ساخت فیلم است.

غربت همیشگی نویسندگان

امیریان گفت: در ایران به نویسندگه بها نمی‌دهند. چه به نویسندگه فیلم‌نامه، چه به نویسندگه‌ای که صاحب اندیشه اصلی فیلم است. نویسندگه است که طرح و چارچوب و جهان بینی خودش را ارائه می‌دهد. ولی در غرب خیلی به نویسندگان اهمیت می‌دهند، برخی از داستان‌نویسان غرب وقتی شروع به نوشتن می‌کنند، صفحه اول داستان را در روزنامه به مناقصه می‌گذارند و زمانی که هنوز تمام نشده به بالاترین قیمت فروش می‌رود.

جسارت در داستان‌نویسی

این نویسنده گفت: داستان‌نویس یا سینماگر باید شجاع باشد و کار خودش را انجام دهد هر چند که با انتقادهایی روبه‌رو می‌شود ولی به مرور زمان ذائقه مردم تغییر می‌کند و چه بسا کسانی که در برابرش گارد گرفته‌اند، روزی از او حمایت کنند. فیلم‌های متعددی در گذشته با انتقادات بسیاری رو به‌رو شده‌اند یا چندین سال مجوز پخش نگرفتند ولی زمانی فرارسید که چندین بار از صداوسیما بدون هیچ اعتراضی پخش شدند. نویسندگه یک ترس درونی دارد که اگر بتواند آن ترس درونی و خودسانسوری را کنار بگذارد خیلی از مشکل‌ها حل خواهد شد.

تفاوت دستمزد سینماگران با

داستان‌نویسان

امیریان ضمن اشاره به ارتباط ضعیف میان نویسندگان با کارگردانان و برعکس گفت: متأسفانه همکاری بین داستان‌نویسان و فیلم‌سازان خیلی کم شده و از آنجا که سینما یک

متأسفانه همکاری بین داستان‌نویسان و فیلم‌سازان خیلی کم شده و از آنجا که سینما یک صنعت پول‌ساز است، تفاوت دستمزد سینماگران با داستان‌نویسان نیز بسیار زیاد است که باعث دلزدگی نویسندگان و سینماگران با سخنرانی داوود امیریان، نویسنده سرشناس

حسن عارفی مهر culture@khorasannews.com

نشست تخصصی رمان و سینمای اقتباسی و بررسی چالش‌های پیش روی این سبک فیلم‌سازی در کشور با حضور داوود امیریان، فیلم‌نامه‌نویس و داستان‌نویس برجسته کشور در مشهد برگزار شد. به گفته امیریان، متأسفانه همکاری بین داستان‌نویسان و فیلم‌سازان خیلی کم شده است و از آن‌جا که سینما یک صنعت پول‌ساز است، تفاوت دستمزد سینماگران با داستان‌نویسان نیز بسیار زیاد است که باعث دلزدگی داستان‌نویسان می‌شود. در خور اشاره است، طی روزهای گذشته نشست خوانش و بررسی ظرفیت‌های اقتباس از رمان در سینما به همراه معرفی دو کتاب «ماه بلوط»، نوشته محسن مؤمنی شریف و مجموعه خاطرات مرضیه حدیدچی به کوشش محسن کاظمی با حضور داوود امیریان، نویسنده شناخته شده در باشگاه فیلم رویش مشهد برگزار شد.

سینماهای جهان، وامدار اقتباس

در ابتدای این نشست تخصصی، داوود امیریان درباره اقتباس فیلم از داستان گفت: متأسفانه اقتباس در ایران مهجور شده و سینماگران و نویسندگه‌ها اقتباس در داستان و فیلم را نمی‌پسندند ولی در بسیاری از کشور‌های دیگر اقتباس از فیلم و داستان را یک افتخار می‌دانند به عنوان مثال، بیشتر آثار هیچکاک اقتباس هستند. در یک جمله باید گفت، همه سینماهای جهان وامدار اقتباس هستند.

کارگردان‌های کتاب‌خوان

این نویسنده سرشناس خاطر نشان کرد: ما کارگردان مؤلف را با کارگردان اشتباه گرفته‌ایم. مؤلف یعنی کسی که امضا داشته‌ویک اثر را مال خودش کرده باشد که متأسفانه این کار در ایران جایفتاده‌و اکثر کارگردان‌های خواهند فیلم‌نامه‌نویس خودشان باشند و این باعث می‌شود که کار‌های خیلی ضعیف تولید شود. کمتر پیش می‌آید که کارگردان‌های ما کتاب خوان باشند در صورتی که بهترین کارگردان‌ها افرادی هستند که کتاب می‌خوانند. مثل بهرام بیضایی، ناصر تقوایی، فریدون جیرانی، داریوش مهرجویی، مسعود جعفری جوزانی و مسعود کیمیایی که هم کتاب می‌خوانند و هم نویسندگه‌ قهرای هستند. این‌ها کسانی هستند که کتاب می‌خوانند و این جهان را می‌شناسند. به همین دلیل به سراغ اقتباس رفته‌اند مثلاً ناصر تقوایی چند فیلم اقتباسی دار و همچنین داریوش مهرجویی.

امیریان افزود: اقتباس این نیست که یک اثر دیگر را مو به مو بنویسید یا بسازید بلکه باید چکیده‌ای یا بخشی از آن اثر را با نگاهی جدید به کار ببرید. مثلاً فیلم هری پاتر با داستانش تفاوت‌های زیادی دارد. اصلاً برخی از شخصیت‌ها را کارگردان حذف کرده‌است. اگر بخواهم تعریف کوتاهی از اقتباس ارائه کنم باید بگویم، اقتباس مثل خرید لباس است که

هر اس از آینده در دل دوتار نوازان خراسانی

گفت‌وگوی خراسان با امید رحمانی بوزگانی از نسل جوان موسیقی مقامی خراسان درباره آینده این موسیقی و چالش‌های پیش روی دوتار و دوتارنوازان

روبه‌رو شده بود. متأسفانه در حال حاضر این محفل پرگزار نمی‌شود و جای خالی آن به شدت احساس می‌شود. اگر از این دست محافل داشته باشیم به ارتباط بهتر مردم با موسیقی اصیل تربت‌جام منجر خواهد شد. در حال حاضر هم خوشبختانه شوق و علاقه‌مندی در جوانان این منطقه نسبت به این نوع موسیقی اصیل قابل مشاهده است که خدا را شکر جای خشنودی است هر چند می‌شود هنوز هم کار‌های مهمی انجام داد؛ مثلاً می‌شود با دایر کردن مکتب‌خانه‌های آموزش موسیقی در سطح شهر‌ها با وجود هنرمندان فعال برای نشست و تبادل نظر‌ها به تقویت این ارتباط کمک کرد و فضای بهتری را برای آموختن نوجوانان و جوانان و تبادل نظر در حوزه موسیقی فراهم آورد.

وضعیت ساز دوتار در شرق و جنوب خراسان چگونه است؟

خاستگاه دوتار در خراسان بزرگ و بیشتر در محدوده شرق و جنوب شرق خراسان بوده‌است. این از گذشته‌های دور تا امروز وجود داشته‌است و این سال‌ها هم شهر‌هایی همچون سرخس، فریمان، کاشمر، نایباد، خواف به مرکزیت تربت‌جام پرچمداران شاخص دوتار و دوتار نوازی در کشور هستند تا آنجا که ساز دوتار جزئی از زندگی مردم تربت‌جام شده‌است. از گذشته تا امروز دوتار همراه و همپای آن‌ها در مراسم مختلف بوده‌است. طبیعی است که دوتار باید در تربت‌جام در جریان باشد هر چند در این شهر ساز‌های دیگری از جمله نی، دایره، سرنا و دهل هم به حیات خودشان ادامه می‌دهند اما دوتار عمومیت بیشتری دار و دو قاعدتاً رشد و بالندگی بیشتری از این ساز را در این خطه دیده‌ایم.

وضعیت هنرمندان فعال در این عرصه را چگونه می‌بینید؟

واقعیت این است که زندگی هنرمندان موسیقی مقامی تاجایی که مطلع‌م وضعیت خوبی نیست. من فکر می‌کنم استادی که همه زندگی‌اش را در اشاعه و حفظ این موسیقی اصیل گذاشته‌است، نباید در شرایط سختی به سر ببرد. نباید میراث داران این موسیقی اصیل با تنگنا‌هایی روبه‌رو باشند. بپند و دیگرانی که به عنوان یک خوشه چین و شاگرد استادان بزرگ این حوزه‌ایم، وقتی وضعیت زندگی و مالی این استادان بزرگ را می‌بینیم، از آینده خودمان می‌ترسیم و می‌ترسیم که این ترس باعث دل‌سردی و دلزدگی ما از این راه باشد.

به نظر می‌آید بیشتر به زندگی این استادان رسید تا جوان‌ها هم با دلگرمی بیشتری سراغ این موسیقی بروند که بخش مهمی از فرهنگ ماست.



غیر از پدر، دایی‌ام هم خواننده خوبی بود. همچنین به‌طور غیر مستقیم از استادان غلامعلی پور عطایی، عبدا... امینی، غلام‌رسول صوفی و جمشید پور عطایی هم بهره‌برده‌ام. آواز خواندن را از ۹ سالگی شروع کردم.

در منطقه خودتان ارتباط مردم را با موسیقی مقامی چگونه می‌بینید؟

ببینید این ارتباط نسل به نسل بوده‌هست با این توضیح که در مقاطعی این ارتباط پر رنگ‌تر و در مقاطعی هم کم‌رنگ‌تر شده‌است. مثلاً در تربت‌جام در مقطعی که استادان بزرگ موسیقی شرق و جنوب خراسان همچون غلامعلی پور عطایی، ذوالفقار عسکریان، نورمحمد درپور، مرادعلی سالار احمدی، عبدا... سرور احمدی و ... نوده بودند چراغ این موسیقی پر نور تر بود. آن‌روز‌ها ارتباط مردم آن قدر با این موسیقی محکم بود که همه چشم‌انتظار بودیم کی آلبوم‌تاز‌های مثلاً از استاد غفاری یا همراهی دوتار استاد ذوالفقار عسکریان منتشر بشود. همچنین در سال‌های گذشته به همت اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی تربت‌جام یک روز در هفته، محفلی در سالن فرهنگ و ارشاد برگزار می‌شد که با استقبال مردم